

همزیستی بالنده با کرونا

■ دکتر عبدالعظیم کریمی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه تعلیم و تربیت

■ کرونا با هوشمندی خارق‌العاده‌ای که دارد، برای تغییر و اصلاح نگرش و بینش و منش و روش انسان‌ها از جای درستی آغاز کرده است و می‌داند که راه تغییر سبک زندگی این انسان تخریبگر و خطرزا از طریق آگاهی‌های ذهنی یا حضور در کارگاه‌ها و همایش‌های آموزشی و تربیتی نیست. زیرا تجربه نشان داده است، انسان‌ها با حفظ کلمات و انباشت نظریه‌ها و کسب مهارت‌ها تغییر نمی‌کنند، بلکه راه «دگرسان‌دیدن» و «دگرگون‌ساز شدن» سبک زندگی، همان راهی است که **توماس ساموئل کوهن** در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی نشان داده است؛ یعنی تغییر بنیادین انگاره‌های بشر در انتخاب سبکی دیگر از زندگی خود.

در اینجا لازم است تعریف مشخصی از «سبک زندگی» ارائه کنیم تا با شناخت آن بتوان سازوکارهای تغییر و اصلاح و مدیریت آن را بر عهده گرفت. بی‌گمان سبک زندگی این روزها یکی از پربسامدترین واژگان و الفاظی است که در کتاب‌ها، اجلاس‌ها، مقالات، گفت‌وگوها، برنامه‌های صداوسیما، کلاس‌های دانشگاه، تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد این مفهوم هنوز آن‌گونه که شایسته و بایسته است واکاوی نظر نشده و در حاله‌ای از ابهام به‌سر می‌برد؛ ابهامی که در عین

آزاردهنده بودنش، مانعی جدی بر سر راه رشد و گسترش مباحث نظری و عملی مرتبط با این موضوع و شکافی جدی در این حوزه پدید آورده است.

سبک زندگی در معنایی که امروزه استعمال می‌شود، مفهومی مدرن و جدید است که حتی تا سه - چهار دهه پیش در ادبیات روان‌شناسی و آثار اجتماعی استفاده چندانی نداشت. این مفهوم نیز چونان دیگر مفاهیم مدرن در ذیل عالم مدرن و گفتمان تجدد قابلیت طرح و پدیداری و عرضه یافته و در عالم مقابل مدرن چندان بدین نحو قابلیت و امکان طرح نداشته است.

در اینجا ضروری است میان دو مفهوم «شیوه زندگی»^۱ و «سبک زندگی»^۲ تمایز قائل شویم. «سبک زندگی» نظام‌واره‌ای است که هندسه رفتار بیرونی افراد و جوامع و تمایزات آن‌ها را در حوزه‌های گوناگونی نظیر ارزش‌ها، نگرش‌ها، عادت‌ها و شیوه رفتار و الگوی مصرف، معاشرت و تفریح، مشخص می‌کند. این نظام تجسم هویت افراد و جوامعی است که در سطح کلان هم‌گرایی و واگرایی میان افراد و گروه‌ها را پدید می‌آورند. از این منظر «سبک زندگی» سه ساحت وجودی دارد:

۱. ساحت اندیشه و آگاهی؛
۲. ساحت انگیزه و عاطفه؛
۳. ساحت عمل و رفتار.

این سه لایه وجودی انسان با یکدیگر مرتبط و بر همدیگر اثرگذارند. از منظری کلی‌تر و جامع‌تر می‌توان گفت، سبک زندگی پدیده‌ای است چندلایه، چندجانبه و چندوجهی که در قالب تعریفی خطی و تک‌ساختی محدود نمی‌شود. یعنی فرایندی است زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اسطوره‌ای، که شکل‌گیری آن از رمزگشایی ژن‌ها و ناقل‌های نورولوژیک آغاز می‌شود و تا کارگشایی عوامل محیطی و اقلیم‌ها ادامه می‌یابد؛ از پیش از تولد تا پس از مرگ، از ناخودآگاه نوعی^۳ تا ناخودآگاه تحول فردی^۴، از عوامل مادی و فیزیکی تا عوامل معنوی و متافیزیک قابل گسترش و تعمیم و تعمیق است.

پس سبک زندگی انسان‌ها نه صرفاً از خاستگاه روان‌شناختی و نه از ساختار زیست‌شناختی و نه از پایگاه جامعه‌شناختی، بلکه افزون بر آن، از «ساخت اجتماعی» یا «روح حاکم بر زمان» نشئت می‌گیرد.

اکنون پرسش مهمی درباره مدیریت سبک زندگی در شرایط پساکرونا مطرح می‌شود که آیا سبک زندگی باید در مواجهه با شرایط، کشف و خلق شود یا از قبل وضع و کسب می‌شود؟ آیا سبک زندگی مبتنی بر برنامه‌ریزی است یا برنامه‌یابی؟ آیا سبک زندگی فرایندی است تکوین‌شونده یا فرآورده‌ای است تدوین‌شده؟

آیا سبک زندگی فرایندی هشیارانه است یا ناهشیارانه؟ آیا سبک زندگی بر ساخته زندگی است یا برخاسته از زندگی؟

کرونا زیرسازهای سازه‌های نگاه ما به جهان هستی را، نه در نوع اندیشیدن، بلکه در شیوه زیستن، دگرگون می‌کند.^۷

تنها راه تغییر انسان‌ها از طریق مواجهه با کرونا، تغییر سبک زیستن آن‌هاست. در پی آن، سبک اندیشیدن به‌طور ناخودآگاه رخ می‌دهد. به همین دلیل است که **میکل آنژ** پیش‌دستی عمل بر نظر را می‌ستاید، زیرا این عمل است که به شیوه بودن و سبک زندگی ما معنا و جهت می‌دهد.

کاری که کرونا با زندگی بشر می‌کند، همین تقدم تغییر سبک (شاکله) زندگی بر سبک اندیشگی اوست؛ یعنی او را در عمل ناگزیر به تغییر می‌کند.

کافی است نگاهی بسیار اجمالی به آنچه در این دو سال اخیر در شیوه زیست ساکنان میلیاردری سیاره زمین رخ داده است، داشته باشیم و اذعان کنیم یک صدم این تغییرات نیازمند صدها سال آموزش، ترویج و تبلیغ است، اما با ظهور کرونا، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، عمیق‌ترین تغییرات ناممکن رخ داده‌اند.

برخی به صراحت اعلام می‌کنند که در عبور از شرایط کرونایی، جامعه‌ای تحول‌خواه خواهیم داشت. دست‌کم در تجربه معاصر خود یک ذخیره معرفتی تاریخی داریم که به ما می‌گوید: همیشه با سختی‌ها و دشواری‌ها دگرگونی‌های مهمی ایجاد خواهند شد. برای نمونه، بعد از قحطی ۱۲۵۰ شمسی که بسیار وحشتناک بود و گفته شده تا یک و نیم میلیون ایرانی از دست رفتند، جنبش آموزشی نوین را داشتیم؛ اصلاحات مالی، اقتصادی، گمرکی و حقوقی و قانونمند کردن کشور در دوره امین‌الدوله را داشتیم. انجمن غیردولتی معارف را داشتیم. این نشان‌دهنده پویایی و میلی است که در ایران برای رهایی وجود دارد؛ خواستنی نیرومند برای دگرگونی و توسعه در بخش‌های بزرگی از گروه‌های اجتماعی پیشرو ایرانی ذخیره شده است که فرصتی برای آزادشدن طلب و تمنا می‌کند.^۸ باشد که در پی این ضربه‌های دردناک در جهان پساکرونایی «جان‌آگاهی»، «جهان‌آگاهی»، «مرگ‌آگاهی» و «دیگرآگاهی» را از نو کشف کنیم تا انسانیت ما در تعامل با این ساحت‌های گم‌شده انسانی، از نو زنده شود!

پی‌نوشت‌ها

1. Way of life
2. Life style
3. phylogeny
4. Ontogeny Recapitulates
۵. یوهان پستالوزی (۱۸۲۷-۱۷۴۶) مربی علوم پرورشی و از طرفداران و پیشگامان نظام‌های تربیتی فعال بود.
۶. به نقل از مقاله نگاهی به فلسفه و اندیشه‌های هانا آرنست <http://www.namotanahi.blogfa.com/post-25.aspx>
7. Action follows being. Don't try to change your action- try to find out your being, and action will follow. The action is secondary; being is primary.
۸. مقصود فراست‌خواه، حسن محدثی و سعید مدنی. ایران فردا. شهریور ۵۸. فروردین و اردیبهشت ۹۹. ۲۳-۱۴.